

نیایش

(بیدگرم فردا!)
کوهی سیاهی و سردی همه ملکوتی
مرا بنیاد بده
بزرگسار منور من ابر من کویست
به من بنفشه حوای بلبلد بولادی
که ای ماه نلوزم ز نوزده امی زمین
که بکنه گام خود و بار دیگران باشم
که ما به زندگی مردمان بوم بر خوش
نه است لبته و سر بار دیگران باشم
به خود گفتم همان این جهان استم
هر چه کار کند بر بنیاد از دستم

زاد
نزدک ۱۹۸۲